



دارایی‌های کریستیانو رونالدو
از مرز یک میلیارد دلار گذشت

فوتبالیست میلیارد دلاری

صفحه ۷

از دکل ۱۲۰ میلیون دلاری تا سوخت و برنج
داستان ناپدید شدن منابع ملی چگونه تکرار می‌شود؟

معمای گمشدگان اقتصاد ایران

تکرار این پدیده نشان می‌دهد شفافیت تنها چیزی است که در اقتصاد ایران گمشده است



در سرزمینی که منابع ملی‌اش باید چون دانه‌های تسبیح، با رشته‌ای از نظم، شفافیت و پاسخ‌گویی به هم پیوسته باشند، گم‌شدن یک دکل، یک محموله نفت، یا حتی یک میلیون تن برنج، تنها یک خطای حسابداری ساده نیست؛ زنگ خطری است برای کل سامانه نظارتی کشور. در کشور گاه منابعی ناپدید می‌شوند البته نه در توفان دریا، نه در آتش جنگ، بلکه در مه بی‌نظمی، بی‌نظارتی و گاه فساد. از دکل گمشده‌ای در خلیج فارس که آغازگر روایت «گم شدن»‌ها شد، تا یک میلیون تن برنج وارداتی که حالا هیچ‌کس نمی‌داند کجاست...

صفحه ۲



فهرستی از فیلم‌هایی که در ۲۵ سال اخیر
بسیار مورد توجه قرار گرفتند

تحسین شده‌های لعنتی

صفحه ۵

«بلیت اربعین»: قصه‌ای از دل و جیب و جاده
نرفته، چشمت به عددها
روشن می‌شود

صفحه ۲



فشار جهانی برای به رسمیت
شناختن فلسطین افزایش می‌یابد
غزه و بازتعریف
معادلات خاورمیانه

صفحه ۳



چگونه بازار لوازم آرایشی ایران، سلامت زنان
را قربانی سودجویی می‌کند

تجارت سیاه زیر نقاب زیبایی

از محصولات تقلبی قاچاق تا بیماری‌های پوستی
روای زبایی به کابوس تبدیل می‌شود

صفحه ۶

یادداشت

«سیب» و «انگور»؛ قاتل جان دریاچه ارومیه

مهدی جابری

هفت‌صبح

دریاچه ارومیه که قرار بود به عنوان میراثی جهانی، نام و نشان ایران را به رخ دنیا بکشد، چندین سال است که با نشان سیب خود، سر از میادین میوه و تره‌بار و وانت‌ها و نیسان‌های فروش میوه درآورده هرچند این نشان سیب، حاکی از سلامت دریاچه ارومیه نیست!

ماجراهای مرتبط با دریاچه ارومیه که حالا براساس تصاویر منتشر شده، به کوبری خشک و لم‌یزرع بدل شده، به قدری وسیع و طولانی است که مرور آنها زمان زیادی را به خود اختصاص خواهد امد اما اگر بخواهیم در این نوشتار، یکی از ابعاد این ماجرا را انتخاب و تحلیل کنیم، باید دست روی «سیب» بگذاریم؛ میوه‌ای که ده‌ها سال قبل انگور را کنار زد تا الگوی کشاورزی را در حوزه ارومیه تغییر دهد. سیب ابدار ارومیه؛ همان سببی که دریاچه را فریب داد، آب آن را بلعید و خشکش کرد. همان سببی که اجازه نداد نام و نشان ارومیه و دریاچه‌اش همچنان به عنوان میراث جهانی در یونسکو بدرخشد. همان سببی که نشان ارومیه را از یونسکو به وانت‌ها و نیسان‌ها آورد تا فریاد زده شود «سیب ارومیه! قرمز و ابدار! زنبیل رو بردار و بیار! بدو که آتش زدم به مالم». این چنین بود که در طول این سال‌ها، همه آنهایی که سیب کاشتند، فروختند و خوردند، در حقیقت آتش به دریاچه و مال ایران زدند.

سیب از کجا آمد؟

سوال این است که سروکله سیب از کجا در حوزه دریاچه ارومیه پیدا شد؟ «مجید مخدوم فرخنده» استاد دانشگاه تهران و رئیس

هیئت مدیره انجمن ارزیابی محیط‌زیست ایران که از او با عنوان پدر دانش نوین محیط‌زیست ایران نام می‌برند، شهریور ماه ۱۴۰۱ در ویدیویی که منتشر شده بود، اظهاراتی را بیان کرد که متن مکتوب آن برای اولین بار در «هفت‌صبح» منتشر می‌شود.

این استاد دانشگاه در آن ویدیو گفت: «در دهه ۵۰ دو مهندس مشاور آمریکایی که یکی از آنها متعلق به هاروارد بود، سناریویی برای ارومیه نوشتند که درد ارومیه از آنجا شروع شد. آنها گفتند که شما باید فعالیت تاکستان‌ها و نیز برداشت گندم و جو را کنار بگذارید و به جای آنها سیب بکارید! یعنی این سیب‌ها به توصیه مهندسان مشاور آمریکایی، جای انگور و گندم و جو را گرفت و نهاده‌ها و مقامات آن زمان یعنی وزارت آب و برق و سازمان برنامه و بودجه، پیگیر

تحقق این موضوع بودند. بودجه این کار را سازمان برنامه و بودجه تامین کرد و پیمانکار نیز وزارت آب و برق بود».

وی درباره علت این پیشنهاد گفت: «در همان سال‌های اول دهه ۵۰، کارخانه پاکدیس که بعدها نام آن تغییر کرد، شراب ارومیه را تولید می‌کرد و به اروپا و آمریکا می‌فروخت. خیلی جالب است که دلیل اصرار این مهندسان آمریکایی برای قلع و قمع تاکستان‌ها، این بود که شراب پاکدیس به خاطر قیمت پایین و کیفیت بالا، بازار شراب کالیفرنیا در اروپا را به مشکل جدی مواجه کرده بود؛ یعنی بازار شراب اروپا در دستان شراب پاکدیس ایران قرار گرفته بود؛ طوری که کالیفرنیا از آن بازار کنار گذاشته شد». مخدوم فرخنده البته می‌گوید که این موضوع را به

اطلاع ستاد احیای دریاچه ارومیه رسانده است: «یک‌بار برای ستاد احیای دریاچه ارومیه نوشتم که الگوی کشت در حوزه این دریاچه را تغییر دهید اما این کار را نکردند. چرا نکردند؟ چون در آن زمان این انتقاد به ستاد مذکور وارد بود که یک اکولوژیست در ترکیب آن وجود نداشت و البته هنوز هم (در زمان انتشار این ویدیو) اکولوژیست در بین آنها وجود ندارد».

از دل دریاچه تا خوراک دام‌ها

طی سال‌های اخیر ویدئوهایی در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد سیب‌های ارومیه کنار جاده‌ها تلنبار شده‌اند و در مواردی خوراک دام‌ها می‌شوند؛ موضوعی که مخدوم فرخنده نیز در ویدیوی مذکور به آن اشاره کرده بود.

آبان ۱۴۰۰ نیز روزنامه خراسان در گزارشی نوشت: «آب دریاچه ارومیه در حالی خرج درختان سبیب می‌شود که هر سال شاهد تلنبار شدن صدها تن سیب در کنار جاده‌ها هستیم». این روزنامه با استناد به یکی از یادداشت‌های «ناصر کرمی» اقلیم‌شناس و فعال محیط‌زیست، تغییر الگوی کشت باغداران آذربایجانی از انگور به سیب در ۳۰ سال گذشته را علت اصلی و تعیین‌کننده کم شدن سهم دریاچه عنوان کرد. کرمی در آن یادداشت نوشته بود: «به نظر می‌رسد آنچه تاکنون درباره دلیل واپس‌نشینی و خشک شدن بخش بزرگی از عرصه دریاچه ارومیه گفته شده دقیق نبوده و در این‌باره یک مولفه مهم کاملاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته: تغییر الگوی کشاورزی منطقه از تاکستان به باغ‌های سیب».

در دهه ۵۰ دو مهندس مشاور آمریکایی که یکی از آنها متعلق به هاروارد بود، سناریویی برای ارومیه نوشتند که در دارومیه از آنجا شروع شد. آنها گفتند که شما باید فعالیت تاکستان‌ها و نیز برداشت گندم و جو را کنار بگذارید و به جای آنها سیب بکارید!



گزارش

شائبه عمدی بودن آتش‌سوزی‌های کشور دوباره جان گرفت

پشت پرده احتمالی آتش‌سوزی جنگل‌ها

بیش از ۹۰ درصد از علت آتش‌سوزی‌های زاگرس به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سهوی یا عمدی عامل انسانی است

تاکنون دو نفر در جریان خاموش کردن آتش‌سوزی در جنگل‌های آیدر سسندج فوت کرده‌اند؛ آتشی که چند روزی است دامن جنگل‌ها و مراتع زاگرس را گرفته و همچنان می‌تازد، گرچه این نه‌اولین آتشی است که امسال به جان ریه‌های باقیمانده طبیعت کم‌توان ایران افتاده و احتمالاً نه آخرین بار!

خشکسالی کم‌سابقه امسال که گفته می‌شود در نیم‌قرن اخیر بی‌سابقه بوده، فقط شهروندان و شهرنشینان تهران و کلانشهرها را آزار نمی‌دهد بلکه جنگل‌های ایران، امسال تا اینجای کار تابستان سختی را پشت سر گذاشته‌اند؛ آتش‌سوزی‌هایی که از همان آغاز سال بسیاری از بخش‌های کشور به‌ویژه منطقه زاگرس را دربر گرفته بود و حالا دوباره در ماه‌های داغ و تبدار تابستان عرض‌اندام کرده؛ سریالی که تقریباً هر سال تکرار می‌شود و باعث از بین رفتن بخش‌های وسیعی از مناطق سرسبز طبیعی کشور می‌شود. آتش‌سوزی‌هایی که به‌گفته مسئولان دلایل متعددی چون خشکسالی، عوامل انسانی، بی‌توجهی در رهاکردن برخی اشیاء آتش‌زا، برافروختن و خاموش نکردن باقی‌مانده آتش در طبیعت، آتش زدن کاه و کلش کشتزارهای گندم توسط کشاورزان و... به وقوع می‌پیوندند.

نگاهی به آمار حریق جنگل‌ها و مراتع در سال جاری شاید گویاترین دلیل برای قصه تلخ سرنوشت ته‌مانده وضعیت جنگل‌های سرسبز جای‌جای ایران باشد. براساس گزارش‌های منتشر شده، نخستین آتش‌سوزی سال ۱۴۰۴ به فروردین ماه برمی‌گردد یعنی زمانی که ۹ فروردین، آتش‌سوزی گسترده‌ای در تالاب نوروزلو این شهرستان رخ داد و بیش از ۵۰ میلیارد ریال خسارت به این تالاب وارد کرد.

اما این تمام آتش‌سوزی‌های فروردینی نبود بلکه در همان ماه نخستین سال ۱۵ حریق بزرگ در جنگل‌ها، مراتع و تالاب‌های کشور رخ داد، حادثه‌ای که در ماه‌های بعد نیز تکرار شد طوری که در اردیبهشت ماه ۲۰ آتش‌سوزی، حدود ۵۰ مورد در خرداد و بیش از ۱۵ مورد آتش‌سوزی در تیر ماه به ثبت رسیده؛ آماري که در مردادماه نیز ادامه

داشته و آخرین آنها همین آتش‌سوزی هورالعظیم و جنگل‌های آیدر سسندج بوده است.

پشت پرده‌های پنهان

این آمارها و این ارقام شوکاآور باعث شده تا بسیاری از کارشناسان و دوستداران محیط‌زیست لب به اعتراض و انتقادنسبت به عملکرد مسئولان باز کنند. «مید سجادیان» از همین فعالان محیط‌زیست در کهگیلویه و بویراحمد است که درباره اینکه چه کسی جنگل‌ها را آتش می‌زند، می‌گوید: سوال ما هم همین است چراکه بیشترین اقدامی که درباره آتش‌سوزی‌ها انجام می‌شود مربوط به عملیات اطفای حریق است، نه شناسایی عوامل.

وی با اشاره به آتش‌سوزی‌های اخیر در زاگرس می‌گوید: شش ماه از سال، فصل احتمال آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس است اما در بقیه سال آتش وجود ندارد و بهترین فرصت است تا علت این حوادث بررسی و برای آن چاره‌جویی شود. با این حال می‌بینیم که در این مدت هیچ اتفاق خاصی در این زمینه رخ نمی‌دهد.

بسه گفته‌وی، طبق بررسی‌هایی که فعالان محیط‌زیست در این منطقه انجام داده‌اند، بیش از ۹۰ درصد از علت آتش‌سوزی‌های زاگرس به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سهوی یا عمدی انسانی است. عضو شورای هماهنگی شبکه تشکل‌های محیط‌زیست کشور در نهایت به نکته مهمی اشاره می‌کند که کمتر به این صراحت به آن پرداخته شده، وی تأکید می‌کند: باید این موضوع بررسی شود که آتش‌سوزی در کدام مناطق بیشتر رخ می‌دهد و چرا در طول سال‌های گذشته تعداد وقوع آن بیشتر شده است. باید بررسی شود که آیا دلایل اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی پشت آن پنهان است؟ به نظر می‌رسد پرونده آتش‌سوزی‌های بی‌دربی جنگل‌های ایران وارد فاز تازه‌ای شده باشد. اینکه آیا ممکن است گروه‌های مافیایی محیط‌زیستی پشت‌پرده این حوادث باشند؛ سوالی است که برای یافتن پاسخی برای آنها باید منتظر آینده بود؛ آینده‌ای که بی‌شبک نیست افشاگری‌های جدیدی در این خصوص خواهد بود!



گورها در سکوت مرثیه می خوانند

در یکی از پرزاترترین معابد هند، کارگر سابق نظافتچی مدعی شده که صدها جنازه با نشانه‌های تجاوز و قتل را با تهدید و اجبار دفن کرده است



رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

در معبد معروف «دهرماستالا» در ایالت کارناتاکی هند، جایی که صدها هزار زائر سالانه برای عبادت و رستگاری گرد هم می‌آیند، اکنون یوی تعفن رازهایی کهنه به مشام می‌رسد؛ رازهایی که با اعتراف تکان‌دهنده یک نظافتچی سابق به بیرون نشت کرده و هند را در شوکی عمیق فرو برده‌اند. به گزارش الجزیره، در رسوم ژوئیه، مردی از طبقه دالیت، طبقه‌ای که در نظام کاستی هند قرن‌ها مورد تبعیض و تحقیر قرار گرفته‌اند، با حضور در اداره پلیس، اعترافاتی کرد که همچون زنگ مرگ بر گوش نهادهای قضایی و مذهبی هند نواخته شد. او در این اعترافات گفت: «دیگر نمی‌توانم بار این خاطرات را تحمل کنم... تهدید می‌کردند که اگر اجساد را دفن نکنم، کنار آن‌ها دفن خواهم شد.»

روایت سیاه از کنار رودخانه

این مرد بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ در معبد دهرماستالا مشغول به کار بود. به گفته‌ی او، وظیفه‌اش نظافت محوطه‌هایی در نزدیکی رودخانه «نترآواتی» بوده؛ اما از جایی به بعد، چیزهایی دید که خواب شبانه را برای همیشه از چشمش ربود. او در شکایتنامه‌اش می‌نویسد: «جسدهای بسیاری را در کنار رودخانه می‌یافتم... بیشترشان زنان بودند؛ بی‌لباس، با آثار واضحی از تجاوز و خشونت... حتی یک دختر نوجوان را که پیراهن مدرسه به تن داشت، با آثار خفگی و تجاوز دیدم. به من دستور دادند که او را همراه کیف مدرسه‌اش دفن کنم.» به گفته‌ی او، مأموران معبد به جای اطلاع‌رسانی به پلیس، او را کمک می‌زدند و وادارش می‌کردند که اجساد را شبانه در گودال‌هایی در همان اطراف دفن کند.

عکس روز

قطر‌های در بیابان فاجعه

ارتش اسرائیل از آتش‌بس ۱۰ ساعته در بخش‌هایی از غزه برای توزیع کمک‌های یشر دوستانه خبر داد اما سازمان ملل این اقدام را «شوی رسانه‌ای» خواند



را «اشتباه بزرگ» خواند و ادعا کرد که ورود کمک‌ها به غزه، جان نظامیان اسرائیلی را به خطر می‌اندازد. همزمان، عملیات پرتاب هوایی کمک‌های بشردوستانه از شامگاه شنبه از سر گرفته شده است. این محموله‌ها شامل هفت پالت آرد، شکر و غذاهای کنسروی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی تأمین شده‌اند. ارتش اسرائیل مدعی است که مسیرهای امن برای تردد کاروان‌های سازمان ملل ایجاد کرده اما زمان و مکان دقیق این گذرگاه‌ها اعلام نشده است. با این حال، فیلیپ لازارینی، کمیسر کل آژانس امداد و کارایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا)، این اقدامات را «شوی رسانه‌ای» خوانده و هشدار داده که پرتاب‌های هوایی نه تنها گرسنگی را رفع نمی‌کنند، بلکه ممکن است به مرگ غیرنظامیان هم منجر شوند. او تأکید کرد که این کمک‌ها در برابر نیازهای عظیم غزه ناچیز است و توزیع ناکارآمد آنها به هرج‌ومرج دامن می‌زند. بر اساس گزارش‌های اخیر، از زمان آغاز جنگ در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، بیش از ۵۹ هزار فلسطینی در غزه کشته شده‌اند و فحطی گسترده‌ای زندگی میلیون‌ها

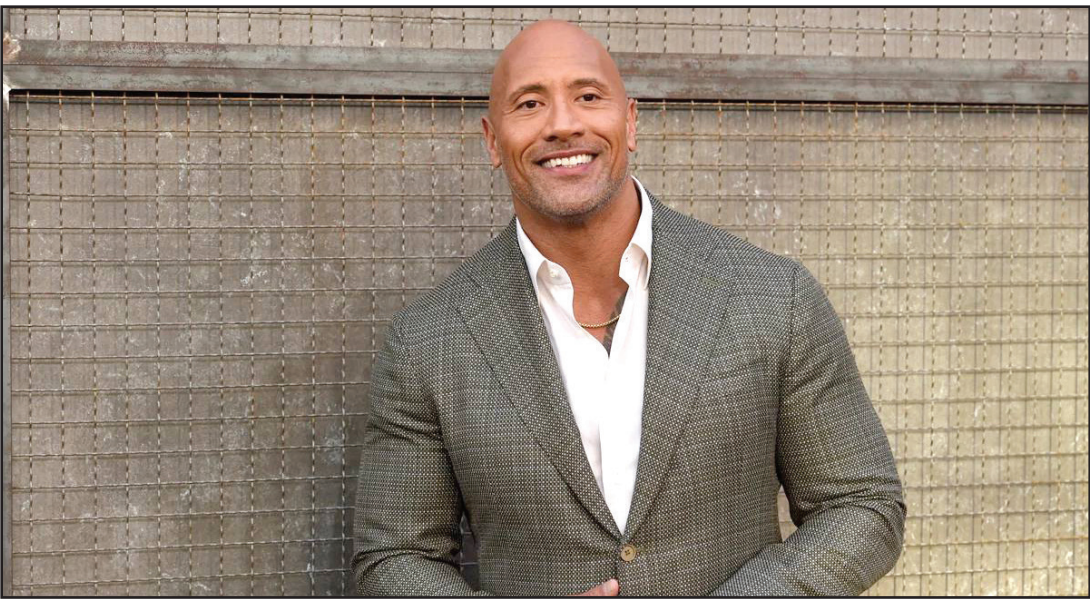
در حالی که بحران انسانی در نوار غزه به نقطه‌ای بی‌سابقه رسیده، ارتش جنایتکار اسرائیل از برقراری آتش‌بس موقت ۱۰ ساعته در بخش‌هایی از این منطقه خبر داد تا امکان توزیع کمک‌های بشردوستانه فراهم شود. با این حال، سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری این اقدام را ناکافی و حتی «پوششی رسانه‌ای» برای پنهان کردن فاجعه انسانی در غزه توصیف کرده‌اند. ارتش اسرائیل اعلام کرد از ساعت ۱۰ صبح تا ۸ شب

کیوسک



فیگاروی فرانسه که به نوعی روزنامه راستگرایان شناخته می‌شود، تصمیم امانوئل مکرون برای به رسمیت شناختن فلسطین را قمار خطرناک ملی نامید که تنها مورد تحسین و استقبال چپگرایان قرار گرفته است.

چاینا دیلی چین، با انتشار عکسی از سخترانی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، برای ۱۷ نفر از سفرای کشورهای خارجی از جمله سفیر ایران، از قول او نوشت که چین درهای کشورش را به روی جامعه ملل بازتر خواهد کرد.



چهره روز

دواین جانسون، معروف به راک، ستاره هالیوود و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های سینمایی و ورزشی جهان، با اظهاراتی صریح از مردم مظلوم غزه حمایت کرد. او در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، اقدامات اسرائیل در غزه را با «شرارت‌های هالیوودی» مقایسه کرد و گفت حتی در فیلم‌های سینمایی هم چنین اعمال شرورانه‌ای را ندیده است و دولت اسرائیل و نخست‌وزیر آن، بنیامین نتانیاهو را به دلیل جنایات علیه غیرنظامیان به شدت محکوم کرد. راک با اشاره به بحران انسانی در غزه، خواستار توجه جهانی به رنج فلسطینی‌ها شد و بر لزوم توقف خشونت‌ها تأکید کرد. حمایت راک، به‌عنوان چهره‌ای جهانی، بازتاب گسترده‌ای داشته و الهام‌بخش دیگر هنرمندان شده است. در این میان، زنجیره‌ای از حامیان فلسطین در دنیای هنر در حال شکل‌گیری است که صدای مظلومان را به گوش جهانیان می‌رسانند.

بنگه دنیا

چمدان‌های خالی، فروشگاه‌های خلوت

گردشگران خارجی که روزگاری با چمدان‌های خالی به آمریکا می‌آمدند و با برندهای آمریکایی به خانه بازمی‌گشتند، حالا دیگر کمتر می‌آیند و کمتر می‌خرند و درآمد خرده‌فروشی‌ها را به خطر می‌اندازند



برای بسیاری از گردشگران خارجی، سفر به آمریکا بیش از آنکه تماشای منظره از فراز امپایر استیت باشد یا سلفی گرفتن با میکی‌ماوس، یک مأموریت خرید بود. اما حالا آمریکا دیگر آن بهشت خرید سابق نیست. بحران اقتصادی، تورم بالا، جنگ تجاری دولت ترامپ و افزایش هزینه‌ها باعث شده‌اند تا هم شمار گردشگران خارجی کاهش یابد و هم سبک سفرشان عوض شود. بر پایه داده‌های اداره تجارت بین‌الملل آمریکا، میزان هزینه‌کرد گردشگران از ابتدای سال تا پایان مه به طور تقریبی ثابت مانده و ورود گردشگرانی که با هواپیما سفر می‌کنند، در ماه ژوئن نسبت به پارسال ۶۶ درصد کاهش داشته است. فلوریس فن دایکوم، مدیر مؤسسه سرمایه‌گذاری «لندن برگ تالمن»، خاط‌رای گویند: «پیش‌تر گردشگران با چمدان خالی می‌آمدند، آنها را پسر می‌کردند و به خانه بازمی‌گشتند اما حالا دیگر این عادت در حال تغییر است.»

از ابل‌واچ تا یادگاری، همه چیز گران شده است

بتو سسوزا، راهنمای تور اهل برزیل که بیش از یک دهه در فلوریدا فعال است، می‌گوید مشتریان، اغلب برزیلی‌ها، هنوز هم برای دیدن مسابقاتی مثل فرمول‌وان به میامی می‌آیند اما دیگر در خرج کردن محتاط شده‌اند و عطای خرید عطر یا کفش نایکی را به لقایش می‌بخشند. این تغییر رفتار محدود به آمریکای جنوبی نیست. آنت فن در میر، گردشگر ۶۴ ساله هلندی که به تازگی از فروشگاه میسیز (Macy's) در نیویورک بیرون آمده، می‌گوید: «در مقایسه با اروپا، قیمت کالا در اینجا غیرقابل‌باور است. قیمت غذا و نوشیدنی خیلی بالاست. به‌نظر من در اروپا نصف این هزینه را می‌دهیم.» طبق داده‌های دولتی، قیمت هتل‌ها نسبت به پیش از همه‌گیری حدود ۱۰ درصد رشد داشته و هزینه غذا خوردن در رستوران‌ها نیز حدود ۳۴ درصد بیشتر شده است. در چنین شرایطی، خرید دیگر اولویت اول نیست.

وقتی ویزا گران می‌شود و تعرفه‌ها بالا می‌رود

بر پایه یک نظر سنجی، در سال گذشته میلادی، خرید کردن محبوب‌ترین فعالیت تفریحی میان بیش از ۴۸ میلیون گردشگر خارجی بوده است؛ حتی بالاتر

از بازدید از موزه‌ها و پارک‌های ملی. اما این روند نیز در معرض تهدید است. با اجرای لایحه مالیاتی عظیم ترامپ، هزینه دریافت ویزا افزایش قابل توجهی خواهد داشت. افزون بر آن، رئیس‌جمهور آمریکا تهدید به اعمال تعرفه‌های جدید بر واردات از کشورهایی چون برزیل، مکزیک و کره‌جنوبی کرده که می‌تواند به بایکوت‌های گسترده دامن بزند، همان‌طور که پیش‌تر در کانادا رخ داده است.

فروشگاه‌ها نفس می‌کشند اما عمیق نه

از مغازه‌های کوچک خانوادگی گرفته تا برندهای بزرگی چون میسیز، همه در حال لمس مستقیم کاهش درآمد ناشی از کاهش خرید گردشگران‌اند. مدیرعامل میسیز، تونی اسپرینگ، تأیید کرده که افت فروش اخیرشان با کاهش ورود خریداران خارجی مرتبط بوده است. فروشگاه‌هایی چون بومینگدیلز (Bloomingdale's) و بلومر کوری (Bluemercury) هم که در مالکیت پیسیسیز هستند، در پیش‌بینی‌هایشان روی تداوم این روند حساب کرده‌اند. در همین حال، برخی برندها به مصرف‌کنندگان داخلی دل بسته‌اند. برای مثال، بربری گفته با وجود کندی رشد جهانی، فروش آنها، به‌لطف رشد مشتریان بومی در آمریکا فراتر از انتظار بوده است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



نبرد کایوتی علیه اِکمی به پرده سینما می‌رسد!



پوست و فیلمنامه آن را با همکاری سمی برج، نامزد اسکار، نگاشته است. «کایوتی علیه اِکمی» با داستانی پر از طنز و نوستالژی، آماده است تا طرفداران لونی تونز را در سال ۲۰۲۶ به وجد آورد. این فیلم نه‌تنها بازگشت کایوتی را جشن می‌گیرد، بلکه نشان‌دهنده قدرت استودیوهای مستقل در احیای آثار فراموش‌شده است.

پل‌زدن

فهرستی از فیلم‌هایی که در ۲۵ سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفتند

تحسین شده‌های لعنتی

همه چیز همه جا یک باره (۲۰۲۲)

فیلمی پرهیاهو درباره دنیاهای موازی، میشل یتو در نقش زنی خسته از زندگی، که در خیال خود نسخه‌های مختلفی از زندگی‌اش را تجربه می‌کند اما در هیچ کدام از این دنیاهای موازی، چیزی شبیه یک داستان منسجم دیده نمی‌شود. صحنه‌ها پشت سر هم می‌آیند بی‌آنکه انسجامی در روایت وجود داشته باشد. با این حال، فیلم در اسکار غوغا کرد و هفت جایزه از جمله بهترین بازیگر مرد، زن و کارگردانی را برد. اما شاید در دنیایی دیگر، آکادمی در برابر جذابیت‌های دیوانه‌وار این فیلم مقاومت نکند.



خون به پا خواهد شد (۲۰۰۷)

دنیل دی‌لوویس و سیبیلیش سه ساعت در کالیفرنیا عصر طلایی پرسه می‌زنند، کشاورزان را می‌ترسانند و ثروت نفتی جمع می‌کنند. فیلمی سنگین و پرطمطراق از پل توماس اندرسن، که بازی متدیک دی‌لوویس مانند سیاه‌چاله‌ای تمام لذت سینمایی آن را می‌بلعد.

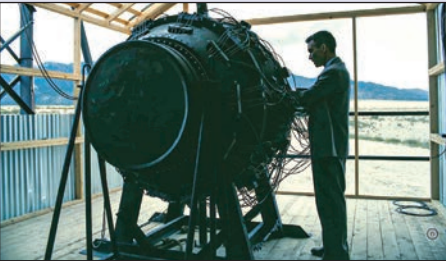


اردوان وزیری
مترجم

شده که با نظر شما موافق است. در این جا قرار است فهرستی از ۱۵ فیلمی را معرفی کنیم که در ۲۵ سال گذشته به طرز غیر قابل توجهیه و بیش از حد تحسین شده‌اند. فیلم‌هایی که شاید عده‌ای آن چنان که دیگران دوست‌شان می‌دارند، مورد تحسین بقیه نیستند. فیلم‌هایی که شاید شما را شگفت‌زده کنند یا حتی بخوابانند کل لیست را نپذیرید و آن را نادیده بگیرید. نفس عمیق بکشید و به ۱۵ فیلم زیر نگاه کنید. [اد پاور](#)، [ایند پیندنت](#)

اوپنهاইمر (۲۰۲۳)

داستان واقعی و جذاب رابرت اوپنهاইمر، دانشمندی که عصر اتم را آغاز کرد و بلافاصله از آن پشیمان شد. این فیلم روایت این داستان واقعی است اما به یک بیوگرافی سنگین و پرادعا تبدیل شده. کریستوفر نولان استاد پیش‌های داستانی است که کسی آن‌ها را نمی‌فهمد. فیلم به جای عمق احساسی به جلوه‌های نمایشی متوسل شده‌است. از جمله بازسازی انفجار هسته‌ای که بیشتر شبیه صحنه‌ای حذف شده از فیلم قدیمی Star Trek است.



لالاند (۲۰۱۶)

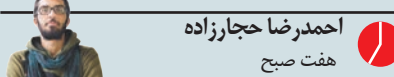
فیلمی موزیکال درباره عشق و رویا در لس آنجلس که بازنگ‌های شاد و موسیقی نوستالژیک، دل آکادمی را برد، اما فیلم چیزی جز داستانی سطحی با شیمی نه چندان قوی میان بازیگران اصلی نیست. این فیلم بیشتر یک ادای احترام سبک وزن به هالیوود قدیم است تا یک اثر ماندگار.

رمان آمریکایی «شهری که روزگاری در آن زندگی می‌کردیم»، هرچند به طور مستقیم درباره جنگ نیست، اما راوی نبرد انسان‌ها برای بقا در شرایطی مشابه با روزگار جنگ است. نویسنده با ترسیم فضایی دیستوپیایی در آینده دور زمین، شرح حال مردمانی را می‌گوید که در شهری ویران شده، می‌کوشند به هر قیمت زنده بمانند و زندگی کنند.



مرگ طبیعت و بقای انسان

نویسنده: اریک بارنز
ترجمه: پریسا سلیمان‌زاده / نشر جمهوری



رمان آمریکایی «شهری که روزگاری در آن زندگی می‌کردیم»، هرچند به طور مستقیم درباره جنگ نیست، اما راوی نبرد انسان‌ها برای بقا در شرایطی مشابه با روزگار جنگ است. نویسنده با ترسیم فضایی دیستوپیایی در آینده دور زمین، شرح حال مردمانی را می‌گوید که در شهری ویران شده، می‌کوشند به هر قیمت زنده بمانند و زندگی کنند.

روایت: خطه شمالی و بلایای طبیعی و غیر طبیعی در این شهر که با نام «خطه شمالی» شناخته می‌شود، مرد نویسنده و روزنامه‌نگاری، خود را موظف می‌داند امنیت معدود افرادی را که در شهر مانده‌اند در قبال ورود و صدمات مردم خطه جنوبی تأمین کند؛ اما ساکنان جنوب نیز از هجوم توفان‌های شدید و سیل‌های غیرمنتظره، در امان نیستند و با از دست‌دادن خانه و زندگی‌شان، می‌خواهند به هر قیمتی ساکن خطه شمالی بشوند. جالب این‌که اهالی خطه شمالی را فقط توفان و سیل و دیگر بلایای طبیعی تهدید نمی‌کند، بلکه آن‌ها مدام در معرض خطر هجوم گروه‌هایی از ارادل و اوباش هستند که زندگی بی‌دغدغه آنها را مختل می‌کنند.

راوی داستان، درحالی‌که سرنوشت شهری که روزگاری در آن زندگی می‌کردند می‌گوید که از سوی دیگر، در تنهایی و انزوایی خودخواسته با گذشته‌ای تلخ در پی مرگ همسر و فرزندانش درگیر است. این رمان، تصویری تلخ و ترسناک از فروپاشی تدریجی یک جامعه، نه با صدای انفجارهای جنگ یا انقلاب، بلکه با سکوت و تکرار این پرسش است که «یا هنوز می‌شود زندگی کرد؟»

اوتار (۲۰۰۹)

جیمز کامرون به جای ادامه مسیر آثار علمی-تخیلی تامل برانگیزش، به دنیای آبی پاندورا رفت و نسخه‌ای پرزرق و برق از «با گرگ‌ها می‌رقصد» را ساخت. آيا واقعا کيت وينسلت می‌داند که در این فیلم بازی کرده؟ بازی سم ورتینگتون نیز در هر دو قسمت «دو بعدی» است.



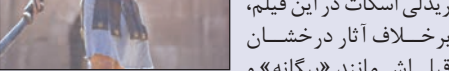
محافظان کهکشان (۲۰۱۴)

فیلمی پر از شوخی‌های بی‌وقفه، ارجاعات موسیقایی دهه هفتادی و شخصیت‌هایی که فرصت نفس کشیدن ندارند. جیمز گان بیش از حد بر «نامک بودن» تأکید کرده و نتوانسته، فیلمی شلوغ و سطحی از کار درآمده است.



گلادیاتور (۲۰۰۰)

راسل کرو در نقش سربازی زندانی که به قهرمان بدل می‌شود، در داستانی کلیشه‌ای ظاهر می‌شود. ردیلی اسکات در این فیلم، برخلاف آثار درخشان قبلی‌اش مانند «بیگانه» و «بلید رانر»، صرفاً کارگردانی وظیفه‌شناس بوده است.



جایی برای پیرمردها نیست (۲۰۰۷)



با وجود دو صحنه به یاد ماندنی، پرتاب سکه توسط آنتون چيگور و مونولوگ پایانی تامی لسی جونز؛ بقیه فیلم یک نوار درجه دو است. حذف ناگهانی شخصیت جاش برولین نیز یکی از ضدحال‌ترین لحظات فیلم است.

حرام‌زاده‌های لعنتی (۲۰۰۹)



تارانتینو با لحن خودشیفته و شوخ طبعی خاص خود، جنگ جهانی دوم را به یک نمایش پرزرق و برق تبدیل کرده است. با وجود بازی‌های درخشان کریستف والتس و مایکل فاسبندر، لحن فیلم با موضوعی ناسازگار است و نتیجه، اثری نامتوازن شده است.

دانکرک (۲۰۱۷)



دومین حضور نولان در این فهرست! فیلمی درباره تخلیه نیروهای متفقین از دانکرک که به جای بازسازی عظمت تاریخی، آن را به یک عصر دلگیر در ساحل فرانسه تقلیل داده است. انتخاب بازیگرانی مانند هری استایلز نیز بیشتر شبیه مدل‌هایی است که در تعطیلات به سر می‌برند تا سربازانی درگیر مرگ و زندگی.

هری پاتر و زندانی آز کابان (۲۰۰۴)



سومین قسمت از مجموعه هری پاتر، با کارگردانی آلفونسو کوارون، به عنوان نسخه‌ای «هنری‌تر» از دنیای هاگوارتز معرفی شد. گرچه این فیلم بیش از حد جدی گرفته شد، با وجود فضای تاریک‌تر و سبک بصری متفاوت، فیلم از نظر داستانی چیزی فراتر از یک قسمت میانی نیست و تحسین‌های افراطی نسبت به آن بیشتر ناشی از تغییر لحن ظاهری آن است تا کیفیت واقعی.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۱۹۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آزادبایی امین فرزند محمد حسین به ش ش ۲۱۴ صادره از همدان در ششداگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۶۷۷٫۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در روستای چشین خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرم علی بابایی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۰۸۴

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

حیدرسلگی - رئیس اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۱۹۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بهروز بابایی امین فرزند محمد حسین به ش ش ۱۴۳۴ صادره از همدان در ششداگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۱۰۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در روستای چشین خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرم علی بابایی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم بدیهی است ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۰۸۴

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

حیدرسلگی - رئیس اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۱۹۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی صفری بابایی امین فرزند درویشعلی به ش ش ۴۰۰ صادره از همدان در ششداگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۱۲٫۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در روستای چشین خریداری مع الواسطه از مالک رسمی یوسفعلی بابایی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۰۸۰

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

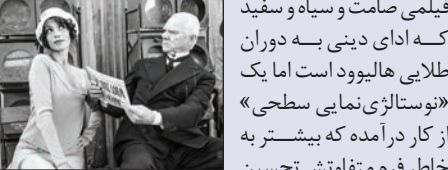
حیدرسلگی - رئیس اسناد و املاک

شکل آب (۲۰۱۷)



فیلمی عاشقانه میان یک زن لال و موجودی دوزیست که با دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم، بسیاری را شگفت‌زده کرد. این اثر «قصه‌ای ساده‌انگارانه با نمادپردازی سطحی» است که بیشتر به خاطر ظاهر متفاوتش مورد توجه قرار گرفته تا محتوای عمیق. فیلم بیشتر یک فانتزی سبک و گذراست تا یک داستان عاشقانه ماندگار.

آر تیست (۲۰۱۱)



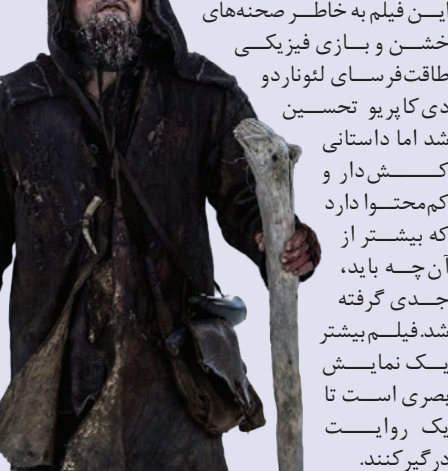
فیلمی صامت و سیاه و سفید که ادای دینی به دوران طلایی هالیوود است اما یک «نوستالژی نامایی سطحی» از کار درآمده که بیشتر به خاطر فرم متفاوتش تحسین شد تا محتوای واقعی. این فیلم خیلی زود از حافظه جمعی محو شد و نشان داد که تحسین‌هایش بیشتر از جنس مد زودگذر بود.

شبکه اجتماعی (۲۰۱۰)



این فیلم با فیلمنامه آرون سورکین و کارگردانی دیوید فینچر داستان شکل‌گیری فیسبوک و شخصیت مارک زاکربرگ را روایت می‌کند. با این همه فیلم، زاکربرگ را به گونه‌ای پیچیده و جذاب نشان می‌دهد که با واقعیت فاصله دارد. فیلم بیش از حد مورد ستایش قرار گرفت و تصویری اغراق‌شده از یک میلیاردر منزوی ارائه داد.

از کور برخاسته (۲۰۱۵)



این فیلم به خاطر صحنه‌های خشن و بازی فیزیکی طاقت‌فرسای لئوناردو دی کارپو تحسین شد اما داستانی کشت‌دار و کم‌محسوس دارد که بیشتر از آن چه باید، جدی گرفته شد. فیلم بیشتر یک نمایش بصری است تا یک روایت درگیرکننده.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۱۹۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی سعید زارعی فرزند ابراهیم به ش ش ۰ صادره از همدان در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۰۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در روستای چشین خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی زارعی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۰۷۸

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

حیدرسلگی - رئیس اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۲۲۸۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پروین جلالی فرزند علی محسن به ش ش ۱۲۳۲ صادره از همدان در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۹۷٫۷۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در روستای چشین خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی زارعی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۰۷۶

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

حیدرسلگی - رئیس اسناد و املاک

هیات موضوع ماده ۴ قانون واده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره های ۱۴۰۴۰۳۳۶۰۱۰۱۰۱۹۲۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ و ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسناد املاک همدان متقاضی خادرویی چاچی محمد ششمین شماره ششداگ ۱۲۵۰ صادره از بهر درسه پلاک ۱ - ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۸۱/۱۱ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۴۰۰ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسناد املاک روستای سیف آباد خریداری از مالک رسمی حاج محموداحمدی فرزند محمدجانی ۲ - ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۴۷/۷۶ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۴۰۰ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسناد املاک روستای سیف آباد خریداری از مالک رسمی حاج محموداحمدی فرزند محمدجانی ۳ - ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۰۶۵۰/۹ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۴۰۰ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسناد املاک روستای سیف آباد خریداری از مالک رسمی حاج محموداحمدی فرزند محمدجانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات انقضای مدت مذکور وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۴۶۵

تاریخ چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

محسن حصری - رئیس ثبت اسناد و املاک اسناد



چگونه بازار لوازم آرایشی ایران، سلامت زنان را قربانی سودجویی می کند

تجارت سیاه زیر نقاب زیبایی

از محصولات تقلبی قاچاق تایماری های پوستی، رویای زیبایی به کابوس تبدیل می شود



مینا هرمزی
هفت صبح

«چند قلم لوازم آرایش مارک... گرفته‌ام؛ شده ۲۷ میلیون اما اشکال نداره... حداقل خیالم راحت‌ه که تقلبی نیستن و پوسترو خراب نمی‌کنن» اینها را زنی حدود ۴۰ ساله به دوستش می‌گوید؛ گرچه دوستش چندان با وی موافق نیست. دوستش که تقریباً همسن و سال اوست، رز لبی از کفش بیرون می‌آورد و می‌گوید: «فکر کردی همه اونا اصلن؟ نه بابا... خواهر شوهرم مثل تو می‌رفت با قیمت‌های نجومی، لوازم آرایش مارک می‌خرید اما یک‌دفعه مریضی پوستی گرفت و کلّاً چهره‌اش عوض شد». رز لب را نشان دوستش می‌دهد و ادامه می‌دهد: «من اکثر لوازم آرایشی ایرانی می‌خرم. البته قیمت اونا هم کم نیست ولی باز خیلی پایین‌تر از خارجی‌هاست».

منشابه این گفت‌وگو بار بین بانوان زیاد می‌شنوید. گفت‌وگو و اظهارنظرهایی از نرخ‌های عجیب و غریب لوازم آرایشی خارجی که تازه بسیاری از آنها هم تقلبی هستند و تبعات ناشی از مصرف آنها فراوان.

علاقه شدید ایرانی‌ها به لوازم آرایش

ایران جزو کشورهایی است که مردم آن علاقه زیادی به لوازم آرایش دارند و میانگین سنی مصرف‌کنندگان لوازم آرایشی و بهداشتی در ایران به‌طور نگران‌کننده‌ای رو به کاهش است. طوری که سن استفاده از این مواد آرایشی به پایین‌تر از ۱۴ سال و حتی دوران نوجوانی و کودکی هم رسیده است. زمانی بزرگترهای خانواده لوازم آرایش می‌خریدند و اعضای دیگری که سن پایینی داشتند، به صورت پنهانی و مخفیانه از این لوازم استفاده می‌کردند اما امروزه بچه‌ها خودشان برای خرید لوازم آرایش اقدام می‌کنند و در این زمینه سنت‌شکنی شده که این روند می‌تواند خطرات جدی برای سلامت جسمی و روانی نسل جوان ایرانی به همراه داشته باشد.

مقصود چرب برای سودجویی

بازار لوازم آرایشی در ایران با چالش‌های متعددی از جمله گسترش محصولات تقلبی و قاچاق، وابستگی به واردات مواد اولیه و مشکلات ناشی از تحریم‌ها مواجه است. این مشکلات سلامت مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند و به صنعت لوازم آرایشی کشور آسیب می‌زند. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از لوازم آرایشی موجود در بازار ایران به صورت قاچاق وارد می‌شوند که اغلب کیفیت پایینی دارند و ممکن است حاوی مواد شیمیایی خطرناک باشند. برخی از کارشناسان می‌گویند بیش از ۸۰ درصد محصولات آرایشی و بهداشتی در بازار ایران، غیربهداشتی و غیراستاندارد هستند. از آنجا که ایران پس از عربستان، بیشترین مصرف لوازم آرایشی را در غرب آسیا دارد، از این رو ایران مقصدی برای سودجویان است تا محصولات تقلبی و قاچاق را وارد بازار کنند که کار را برای خریداران سخت‌تر کرده است.

زدوبندی منفعت‌طلبانه

بسیاری از مصرف‌کنندگان، بدون اینکه بدانند

از محصولات بی‌کیفیت و حتی خطرناک استفاده می‌کنند. به گفته برخی از کارشناسان، لوازم آرایشی و بهداشتی جزو لوازم سلامت‌محور محسوب می‌شوند و مسئولیت آن با وزارت بهداشت و سازمان غذا و داروست اما واقعیت این است که این سازمان تقریباً هیچ نظارتی بر فروشگاه‌های عرضه لوازم آرایشی ندارد و فقط بر داروخانه‌ها که محصولات ایرانی را توزیع می‌کنند، نظارت دارد. به همین علت محصولات قاچاق و تقلبی به وفور در بازار عرضه می‌شود و تقریباً بدون هیچ مشکلی در سراسر کشور به فروش می‌رسند.

تشخیص اصل از تقلبی

در این بازار آشفته، برخی از مصرف‌کنندگان پول برند اصلی را می‌پردازند اما محصول تقلبی می‌خرند زیرا با وجود تعدد لوازم آرایشی قانونی در داروخانه‌ها، تمایل مردم بیشتر به خرید لوازم آرایش و برندهای خارجی است. به همین علت سهم بیشتر بازار لوازم آرایشی، در خارج از داروخانه‌ها، در فروشگاه‌هایی رقم می‌خورد که عمده محصولات آنها قاچاق است؛ موضوعی که بخشی از آن به ممنوعیت واردات لوازم آرایشی برمی‌گردد.

قیمت پر فروش ترین محصولات لوازم آرایشی

قیمت لوازم آرایشی خارجی و به اصطلاح مارک هم در نوع خود عجیب و غریب و حتی حیرت‌انگیز است. بانوانی که به دنبال لوازم آرایشی «برند» هستند کاملاً با نام‌های تولیدکنندگان معروف آنها، آشنا هستند. به گفته فروشندگان عمده بازار لوازم آرایشی و بهداشتی، پر فروش‌ترین برندهای جهانی این لوازم در ایران شامل برندهایی مانند مک (MAC)، لورال (L'Oréal)، هدی بیوتی (Huda Beauty)، نارس (NARS) و استی لادر (Estée Lauder) هستند. این برندها به دلیل کیفیت بالا، تنوع محصولات و محبوبیت، در بازار آرایشی ایران جایگاه ویژه‌ای دارند.

برندهای دیگری مانند مایبلین (Maybelline)، دیور (Dior) و گرلن (Guerlain) نیز در میان پر فروش‌ترین‌ها قرار دارند. همچنین برندهای جدیدتر مانند شیگلن (Sheglam) به سرعت در حال کسب محبوبیت در بازار ایران هستند.

نرخ محصولات آرایشی خارجی در ایران بسته به برند، نوع محصول و فروشگاه‌ی که از آن خرید می‌شود، متغیر است. عوامل دیگری مانند نرخ ارز و هزینه‌های واردات نیز بر قیمت نهایی تأثیر می‌گذارند. برای مثال، برخی از فروشگاه‌ها تخفیفاتی را برای محصولات خاصی ارائه می‌دهند یا قیمت‌ها را براساس نوسانات بازار تغییر می‌دهند. قیمت چهار محصول پر فروش یکی از برندهای معروف به قرار زیر است: رژ لب جامد ۶,۲۴۵,۰۰۰ تومان، رژمل چشم حجم‌دهنده ۶,۴۹۰,۰۰۰ تومان، کرم پودر ۷,۳۷۷,۰۰۰ تومان و خط چشم مازیکی ۵,۱۳۵,۰۰۰ تومان. اما اینها تنها اقلام پر مصرف آرایشی و بهداشتی نیستند. کافی است پزشک پوست‌تان برای تان یک کرم، لوسیون یا ... خارجی تجویز کرده باشد یا بیشتر با قیمت‌های نجومی این اقلام آشنا شوید؛ کرم‌هایی که قیمت آنها حداقل از یک تا ۱/۵ میلیون تومان شروع می‌شوند و تا ۶-۷ میلیون هم می‌رسند.

شده و کارش به بیمارستان کشیده است. شهروند دیگری که خودش را معرفی نمی‌کند، می‌گوید: مصرف مداوم کرم پودر باعث شد تا صورتم از حالت طبیعی خارج شود و لکه‌های سیاه رنگی آن را احاطه کند، لکه‌هایی که هر روز چهره‌ام را بیشتر از روز قبل عوض می‌کرد.

افزایش بیماری‌های التهاب پوستی

مشکلات ناشی از مصرف لوازم آرایشی، حتی با قیمت کرم پودر ترکیه‌ای، چینی و حتی ایرانی از ۱۵۰ هزار تومان تا ۵۵۰ هزار تومان، رزلب از ۱۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان، خط چشم از ۱۰۰ هزار تومان تا ۲۰۰ هزار تومان و رژمل از ۱۵۰ هزار تومان تا ۲۵۰ هزار تومان است.

حسین به محصول پر فروش تابستان یعنی ضدآفتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: قیمت ضدآفتاب از ۸۵ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. البته قیمت بالای این محصول به دلیل افزایش قیمت دلار است نه اینکه کیفیت کالا بالا باشد.

این فروشنده با بیان اینکه در بازار ایران، لوازم آرایشی زیر پله‌ای پاکستانی وجود ندارد، عنوان می‌کند: محصولات آرایشی مستقیماً از چین خریداری و وارد می‌شوند. نباید گفت محصولات دیگر کشورها تقلبی هستند زیرا کالاهای چینی یا ترکیه‌ای، محصولاتی با استاندارد کشور تولیدکننده هستند نه اینکه تقلبی باشند. مصرف‌کننده ایرانی هم بیشتر دنبال محصولات خارجی است.

عوارض احتمالی نگران‌کننده

«مدته» از مشتریان پر و پا قرص برندهای اصل لوازم آرایشی است. با این حال تجربه ناخوشایندی از مصرف این مواد دارد. وی در گفت‌وگو با هفت‌صبح می‌گوید: بعد از مصرف یک کرم مرطوب‌کننده خارجی که مبلغ زیادی به خاطر اصل بودن آن پرداخت کردم، دچار التهاب پوستی شدم. متخصص پوست تشخیص داد بر اثر سرب زیاد موجود در کرم به همین دلیل مشکل بر خورده‌ام که بعد از کلی دوا و درمان، پوستم خوب شد. مزگان یکی دیگر از افرادی‌ست که یک خط چشم با برند اصل از یک فروشگاه بر زرق و برق خریداری کرده و برای آن کلی هم پول پرداخته ولی چشمانش دچار عفونت



داروهای سرکوب‌ایمنی برای بیمار تجویز کنیم. «لیکن پیلان صورت» یکی از همین بیماری‌هاست که اخیراً زیاد شده و در مطالعاتی اثبات شده، موادی در لوازم آرایشی وجود دارند که می‌توانند از عوامل اصلی این بیماری باشد.

محتاج یک ذره عزم را سخ در مسئولان
به عقیده کارشناسان، بیش از ۸۰۰ نوع ترکیب شیمیایی و سمی در لوازم آرایشی و بهداشتی وجود دارد و استفاده مستمر از آنها باعث جذب سالیانه ۲ کیلو و ۵۰۰ گرم ماده سمی در بدن می‌شود. لوازم آرایشی قاچاق موجب پیری زودرس، حساسیت‌های پوست، عفونت‌های مزمن در اطراف لب و دستگاه تنفس و همچنین بیماری‌های مختلف دیگر می‌شود اما با وجود این حجم از تخلف‌ها، هنوز مسئولان عزم راسخی برای برخورد با قاچاقچیان بازار لوازم آرایشی ندارند و هر روز بر حجم این تخلف‌ها افزوده می‌شود. بنابراین بهتر است جوان و همچنین جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های پوستی و امراض مختلف دیگر، از هر ماده‌ای برای آرایش استفاده نکنند و تحت تأثیر تبلیغات قرار نگیرند و با هر پیشنهادی هم استقبال نکنند.



حوادث

متهم به قتل آقای وکیل مدعی است از ماجرا بی‌خبر بوده قتل آقای وکیل در تعقیب ده‌ه‌کار ۷ میلیاردی

که متهم با خودروی ام‌وی‌ام خود به محل بازگشته و قصد ورود به خانه را دارد. بلافاصله از خودرو پیاده شدیم؛ من جلوی خودرو ایستادم و همسرم به سمت عقب آن رفت تا مانع حرکتش شود. اما او بدون توجه به حضور ما، ابتدا من را با ماشین زیر گرفت و پس از آن دنده عقب گرفت و همسرم را زیر گرفت. سپس با سرعت از محل گریخت. با توجه به اظهارات شاکی و اطلاعات میدانی، تحقیقات گسترده برای شناسایی و بازداشت متهم فراری آغاز شد. سرانجام پس از گذشت ۲۲ روز از وقوع جنایت، متهم در حالی که قصد ورود به منزل مادرش را داشت، شناسایی و توسط مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شد. مرد جوان در بازجویی‌های اولیه پس از اتهام قتل عمد، مدعی شد: «به دلیل مشکلات مالی نتوانستم سفارش‌هایی که گرفته بودم را انجام دهم. مبلغی که بابت پیش‌پرداخت از مشتریان دریافت کرده بودم را خرج کرده و کارگاه را تعطیل کردم. تصمیم داشتم با کمک یک وکیل، مشکلاتم را حل کنم. دو ماهی بود که تلفن مشتری‌ها را پاسخ نمی‌دادم و از همه جا قطع ارتباط کرده بودم.» وی ادامه داد: «روز حادثه از آرایشگاه به خانه برگشتم تا همراه همسرم و مادرزنم به ملاقات یکی از وکلا برویم. همسرم رانندگی می‌کرد که ناگهان وکیل شاکی همسرش سر رسیدند. همسرم وحشت‌زده شد، کنترل خودرو را از دست داد و آن‌ها را زیر گرفت. ما از ترس فرار کردیم و اصلاً نمی‌دانستیم که وکیل کشته شده است. چند روزی را در شمال کشور مخفی بودم و پس از آن به تهران بازگشتم، که در نهایت دستگیر شدم.» با وجود این میلبار تومان از همسرم دریافت کرده بود.»

او در ادامه گفت: «مدتی بعد از دریافت پول، این مرد ناپدید شد. کارگاهش را تعطیل کرده و هیچ اثری از او باقی نمانده بود. ما تمام این مدت به دنبال یافتن ردی از او بودیم. حتی چندین بار به در منزلش رفیقتم تا شاید با دیدن او، بتوانیم پیگیر مطالبات شویم.»

زن جوان درباره روز حادثه چنین توضیح داد: «آن روز نیز مثل روزهای قبل، همراه همسرم به مقابل منزل او رفیقتم و مدتی در خودرو منتظر ماندیم. ناگهان متوجه شدیم



فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر حوادث

مرد بدهکاری که در جریان تلاش برای فرار از مقابل چشمان وکیل شاکی و همسر او، موجب مرگ این وکیل جوان شده بود، سرانجام شناسایی و دستگیر شد. این در حالی است که وی در اظهارات اولیه خود مدعی شده از وقوع جنایت و مرگ وکیل، بی‌اطلاع بوده است.

ماجرای روز سیزدهم تیر ماه امسال بازی می‌گردد؛ روزی که خبر مرگ مشکوک یک وکیل جوان در یکی از خیابان‌های غرب تهران به باز پرس جنایی، سالار صنعتگر، اعلام شد. با دریافت این گزارش، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به همراه باز پرس ویژه قتل، در محل حادثه حاضر شدند. در بررسی‌های اولیه، آن‌ها با پیکری بی‌جان مرد جوانی مواجه شدند که در چند قدمی او، همسرش نیز به شدت مجروح و نیمه‌جان روی زمین افتاده بود.

مرد در دستور مقام قضایی، زن مجروح بلافاصله توسط عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. پس از چند روز و در شرایطی که حال عمومی‌اش به ثبات نسبی رسیده بود، در گفت‌وگو با کارآگاهان پرده از راز این جنایت برداشت. زن جوان اظهار داشت: «همسرم وکیل پایه یک دادگستری بود. مدتی پیش از این حادثه، او به صورت واسطه با مردی وارد همکاری شد که در منطقه چهار دانگه، مالک یک کارگاه مبل‌سازی و صنایع بود. این مرد بابت سفارش کار، مبلغی معادل ۷ میلیارد تومان از همسرم دریافت کرده بود.»

او در ادامه گفت: «مدتی بعد از دریافت پول، این مرد ناپدید شد. کارگاهش را تعطیل کرده و هیچ اثری از او باقی نمانده بود. ما تمام این مدت به دنبال یافتن ردی از او بودیم. حتی چندین بار به در منزلش رفیقتم تا شاید با دیدن او، بتوانیم پیگیر مطالبات شویم.»

زن جوان درباره روز حادثه چنین توضیح داد: «آن روز نیز مثل روزهای قبل، همراه همسرم به مقابل منزل او رفیقتم و مدتی در خودرو منتظر ماندیم. ناگهان متوجه شدیم



چون فهمیدند صنایع دستی، فقط کالا نیست، سرمایه است.

سکانس آخر: بیمه‌نشده، حذف‌شده، فراموش‌شده

در ایران اما هنوز روایت قالبیاف، روایتی است از غم. پرسیدم تاریخ فرش ایرانی را خوانده‌ای؟ گفت: «خلاصه‌اش این است: دختران بافتند، پدران فروختند، پسران خرج کردند. هیچ‌کس نپرسید که چه کسی پشت دار، خون داد». فرشی می‌بافتند، نه برای نشستن بر آن. وضعیت در کشورها‌ی دیگر، فرق دارد. مثلاً از پاکستان. سال‌هاست با حمایت‌های دولتی واقعی، کالج‌های فنی و حرفه‌ای برای هنرمندان ساخته‌اند، بیمه‌شان کرده‌اند و صادراتشان را تقویت کرده‌اند. با همکاری یونسکو، رعایت استانداردهای جهانی و برقراری جشنواره‌های بین‌المللی، برایشان برند ساختند. حالا تا شنیدم شده یکی از قطب‌های صنایع دستی در آسیای میانه. آنها هنرمند را جدی گرفتند،

فرش می‌بافتند، نه برای نشستن بر آن. وضعیت در کشورها‌ی دیگر، فرق دارد. مثلاً از پاکستان. سال‌هاست با حمایت‌های دولتی واقعی، کالج‌های فنی و حرفه‌ای برای هنرمندان ساخته‌اند، بیمه‌شان کرده‌اند و صادراتشان را تقویت کرده‌اند. با همکاری یونسکو، رعایت استانداردهای جهانی و برقراری جشنواره‌های بین‌المللی، برایشان برند ساختند. حالا تا شنیدم شده یکی از قطب‌های صنایع دستی در آسیای میانه. آنها هنرمند را جدی گرفتند،

فرش می‌بافتند، نه برای نشستن بر آن. وضعیت در کشورها‌ی دیگر، فرق دارد. مثلاً از پاکستان. سال‌هاست با حمایت‌های دولتی واقعی، کالج‌های فنی و حرفه‌ای برای هنرمندان ساخته‌اند، بیمه‌شان کرده‌اند و صادراتشان را تقویت کرده‌اند. با همکاری یونسکو، رعایت استانداردهای جهانی و برقراری جشنواره‌های بین‌المللی، برایشان برند ساختند. حالا تا شنیدم شده یکی از قطب‌های صنایع دستی در آسیای میانه. آنها هنرمند را جدی گرفتند،

سکانس دوم: فرش را بافتند، هیچ‌وقت رویش نشنستند

اما هیچ کالایی، اگر پدیدآورنده‌اش در فقر مطلق باشد، قابل رقابت نیست. فرش‌شی که با خون و

روایتی از هنر دستانی که زخمی شدند اما بیمه نه!

شاید دختری، روزی، فرش‌ی ببافد

گروه اجتماعی | پرسیدم چرا زمینه بیشتر فرش‌های دستباف ایرانی، سرخ است؟ لیخند محوی زد و گفت: «برای اینکه خون تویش پیدا نشود». گنج شدم. مکث نکرد، پرسیدم: «خون؟ یعنی چی؟». گفت: «قلاب قالبیافی را دهم‌ای؟ تیز است، نوکش مثل قلاب ماهی‌گیری می‌ماند. حالا تصور کن دختری نوجوان، ساعت‌های طولانی پشت دار نشسته و با سرعت بالا رِه می‌زند. اگر فقط یک لحظه، فقط کسری از ثانیه انگشتش عقب بماند، قلاب پوست را می‌شکافد. خون از انگشت می‌ریزد روی تار و پود. اگر رنگ زمینه روشن باشد، جای خون می‌ماند روی فرش. برای همین از همان قدیم، قالی‌ها را لاک‌سی می‌بافتند. رنگی که خون را قورت می‌دهد...». مکثی کرد و بعد آرام ادامه داد: «بافت فرش، برای بعضی‌ها هنر است؛ برای ما زخم».

هنر قالبیافی، برای مرمان دنیا تصویری‌ست از طراوت و نقش و رنگ اما برای دختران و زنان حاشیه فلاات ایران، برای آنها که از پنج‌سالگی پشت دار نشسته‌اند، بیشتر به درد می‌ماند تا زیبایی. صبح تا غروب، روی قالی قوز کردند تباری از دوش پدران بیکارشان بردارند، تا نانی باشد؛ نانی که هنوز حتی با یک عصر قالبیافی، کافی نبود برای نشستن روی همان فرش‌ی که بافتند. یکی‌شان گفت: «هیچ‌وقت حتی یک ساعت روی فرش‌ی که بافتم، ننشستم».

سکانس اول: بیمه‌ای که بود و نماند

اما فراتر از زخم‌های قلاب، بی‌عدالتی بزرگ‌تری هم هست؛ بیمه‌ای که بود و نیست شد. قانونی که قرار بود در سال ۱۳۸۸، شاغلان صنایع دستی را تحت حمایت اجتماعی قرار دهد، پس از سال‌ها، بیشتر شبیه یک فریب است. همان بیمه‌ای که هزاران زن سرپرست‌خانوار و کارگر فرش‌باف از آن استقبال کردند، فقط چند سال دوام آورد. آنها ماهانه ۰ هزار تومان می‌پرداختند اما دولت سهم



علیرضا آذر
هفت صبح

صنعت اسلوب معادله (توازن) و اگر این، پس آن
استاد فربه معلومات، دوترازی قدیمی روی میز گذاشت و گفت: همه چیز در زنگ تفریح اتفاق افتاد جایی که مولوی بستنی اش راه مار گارت نداد. مار گارت هم عکس شمس را کش رفت. «اگر دلی شکست، دلی دیگر هم باید شکسته باشد.» مار گارت اتود گفت: «اگر زنان خاموش اند، پس فریاد کجارتفته؟» وفردوسی گفت: فریادمی رود جایی که بستنی رفت.. «اگر بستیم، بمانی، بستم، بر تو بماند.» شاگردی نوشت: «اگر در چشمت باران است، در دل من توفان است.» استاد گفت: بدهد و دوطرف منطق باید تورا شوک کنند «اسلوب معادله، یعنی شعر را به منطق تبدیل کردن، بی آن که جادویش را از دست.»

روایت

لیسار، شهری که هنوز بوی نان تنوری مادر بزرگ را می دهد

ماهیمآقاچانی
هفت صبح

لیسار برای من فقط یک نقطه روی نقشه نیست؛ لیسار، عطری ست که در دل زمان جامانده. عطر سیگار تند پدرم که لیخنش مثل آفتاب وسط تیر ماه، گرمای زندگی بود، حالا دیگر نیست اما هنوز میان مه صبحگاهی خانه پدر بزرگ، انگار صدایش پژواک دار. دبچه که بودم، دست برادر کوچکم را می گرفتم و توی کوچه پس کوچه های خاکی شهر می دویدیم. کوچه هایی که اسم نداشتند اما پر بودند از صدای زندگی. بازی می کردیم، می خندیدیم، و گاهی با دستان کوچکم برگ درخت ها را نوازش می کردم؛ همان درخت هایی که پدرم با دستان پینه بسته اش کاشته بود و حالا تا طاق آسمان سر کشیده اند، و لسی پدر دیگر نیست.

خاطره تصویری



دست نوشته های هشت شب

از دیار خاطرات

ایدا زمانی
هفت صبح

چمدان را در صندوق عقب گذاشت و سوار تاکسی شد. همین که تاکسی از فرودگاه خارج شد به میدان آزادی هم سلام داد. چند هفته ای بود که از تهران و شلوغی دور مانده بود. هنوز هیجانش از طووف آزادی فروکش نکرده بود که راننده ژکید: «ما فقط دو هفته نورو ز از دست این شهرستانیا راحتیم. بعدش دوباره گند می زنن به تهران... ببین خیابونارو...» به دل نگرفت اما بی اراده بذر ترس پدر در دلش جوانه زد. موقع خدا حافظی پدر از او روی برگرداند و گفت: «خونت رو ول کردی بری بین از خدایی خبرها؟! پشیمون میشی...». پدر معتقد بود از وقتی «هاتی» ها شهر نشین شدند شرایط این طور نابسامان شد و گر نه ما که همه چیز تمامیم و باید همینجا بمانیم.

خاطرش هست که در ست کمی پیش تر در شب نشینی نوروز چقدر مات و مبهوت ایده هایی بود که بیشتر بی رحمانه به نظرمی رسید تا واقع بینانه. خبر رسیده بود که در شهر مجاور انقدر نرخ تولد میان مهاجران زیاد است که گویی در بیمارستان ها فقط زنان مهاجر وضع حمل می کنند و این به گمان خیلی ها فاجعه است. گویا به باور حضار حق حیات و زمین تنها متعلق به همان هایی است که پیش تر آمدند؛ که این امری است نسبی.

درست نمی داند پدر از کی و چه طور از «دهاتی» ها



نسیمش می وزد و یا باران می بارد، صدای دلتنگی را می شود شنید؛ از ته دل.

خانه مادر بزرگ، همان حیاط پر گل با طاقچه های پر از ترشی و دستمال های رنگی هنوز در ذهنم زنده است. مادر بزرگ با آن دست های مهربانش نان تنوری می پخت؛ نانی که بویش مثل بوسه های گرم، هنوز هم از لایه لای خاطراتم بیرون می زند. کنار تنور، صدای نخندی مادر می پیچید در فضا، صدایی که هر وقت چشم می بندم، دختر بچهای درونم زنده می شود؛ با موهای بافته و چشمانی که تنها به دنبال برادر کوچکش بود.

غروب های تابستان، کنار دریای نشستم. باد می آمد و موهایم راه بازی می گرفت، پدر توی سکوت لیخنش می زد و من فکر می کردم این تصویر تا همیشه خواهد ماند. نمی دانستم روزی می رسد که آن لیخنش فقط در قلاب عکس هایم باشد. لیسار برای خیلی ها شاید فقط یک شهر ساحلی باشد، اما برای من سرزمینی ست که هر و جنب خاکش، رد پای عشقی قدیمی ست. شهری که وقتی

خاطره نوشتاری



انگولک به جراید

کیهان ورزشی – علی پروین گفت در مورد فوتبال آدم غیر مسئولی یک ساز میزنند. گل آقا – ما که بجز ممد بوقی ساز زن دیگری ندیدیم!

اطلاعات – اتوبوس های جدیدی که در اروپا ساخته می شود علاوه بر بخش صوت و تلویزیون و آشپز خانه توالت هم دارند.

مش رجب – اتوبوس های ما هم دارند، منتهی همین آخیش را!

کیهان – مسئولان می گویند: میز و صندلی و مبل اتاق مدیر کل باید لوکس باشد.

غضنفر – وایضاً اتومبیل و خانه و مبلمان خانه و ویلای شان!

رسالت – سیگاری های جهان سالی صد میلیارد دلار دود می کنند.

شاغلام – و به این وسیله خودشان را نابود می کنند!

ابرار – از هواپیماهای جدید می توان با منزل تماس تلفنی برقرار کرد.

ممصاذق – بارک الله به هواپیماهای جدید، ما که از محل کارمان نمی توانیم!

رسالت – همه می پرسند: دبیر کل جدید سازمان ملل چه کسی خواهد بود؟

مش رجب – پدر صلواتی ما هنوز نمی دانیم دبیر ریاضی پسرمان چه کسی خواهد بود تو از دبیر کل سازمان ملل می پرسی

ابرار – سوئد از ایران اتوبوس «ولو» خریداری می کند.!!

غضنفر – این جور که داریم پیش می رویم فردا پس فردا آلمان هم از ما بنز آخرین سیستم می خرد!

سلام – یک مقام شوروی گفت: ما ناگزیر به فروش تسلیحات هستیم.

شاغلام – ببینم داس و کچش هم جزو تسلیحات شده؟!

اطلاعات – قیمت خرما نسبت به سال گذشته دو برابر شده است.

ممصاذق – و به همین نسبت سهمیه فاتحه اموات نصف!

کیهان – روابط عمومی راه آهن اعلام کرد: قطار تهران – مسکو تا اطلاع ثانوی به حرکت در نمی آید.

مش رجب – چون ممکن است مسکو به زودی به واشنگتن تغییر نام پیدا کند!



بی زار شد اما خوب می دانست که گفتمان مادر برابر دیگرانش چه طور افکار و وجود پدر را در یک جا منجمد کرد. رشته های افکار در هم تنیده گفتمانش لذت از تباط با دیگران را دارا و کشته بود طوری که در سفر چیزی جز لذت از طبیعت مطرح نمی شد. پدر و راننده اگر هم دیاری بودند احتمالاً دوستان خوبی می شدند اما حال باید یک دیگر را با القاب مشخصی تعریف کنند. وقتی از چراغ سبز جا ماندند راننده بلندتر گفت: «برید خونه هاتون بابا...». چه وجه شباهتی! انگار راننده باهم دیاری هایش هم نظر بود. وقتی در همان شب نشینی های مذکور شرح می داد که حالا دیگر یادش، روانش و خاطرات با عزیزانش آنجاست. با تعریف

گنگی از مفهوم «خانه» رویه رومی شد. خانه مفهوم دیگری بود که به باور حضار فهم آن مستلزم درک است. عجیب نیست راننده دیگران را «شهرستانی» و پدر را «دهاتی» می نامد. گویا حق دارند و دیگرانی همچون او در کی از مفهوم «خانه» ندارند.

در نهایت خوشبختانه تاکسی فرودگاه به خانه رسید. تا این شهرستانی بی درک از مفهوم خانه، تداوم بودن و خاطر سازی با عزیزانش را به خیال خود «بودن در خانه» تعریف کند؛ چرا که باور دارد او تنها متعلق به خاطر هاست.

ژکیدن: با خویشان زم زمه کردن، با دلتنگی یا از سر قهر و غضب با خود حرف زدن



سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی

کاریکلماتور

گر به پس از گرفتن موش به دقت دنبال تاریخ مصرفش میگشت.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

مرگ برندها؛ چرا بعضی هویت های بصری شکست می خورند؟

سال ها دست به تغییر نمی زنند. آن قدر در گذشته باقی می مانند که از زبان امروز دور می شوند. اما تغییر هم نباید نسنجیده و ناگهانی باشد. هر تغییری نیاز به زمینه سازی، روایت و احترام به تاریخچه برند دارد. باز طراحی موفق، تغییری تدریجی و قابل درک است، نه شوک بصری.

در سال های اخیر موج مینیمالیسم در طراحی برندها شدت گرفته است. ساده سازی، اگر درست انجام شود، می تواند قدرت انتقال را افزایش دهد. اما گاهی برندها در این مسیر، همه چیز را از دست می دهند؛ هویت، تمایز، حس و حال. مینیمالیسمی که از معنا خالی شده باشد، فقط یک سبک نیست، بلکه عامل مرگ یک برند است. زبان بصری برند، باید مثل یک مکالمه گرم و انسانی باشد؛ باید دیده شود، فهمیده شود و احساس برانگیزد. اگر مخاطب حس کند که تصویری که می بیند صرفاً یک ظاهر زیباست و معنایی پشت آن نیست، ارتباطش با برند قطع می شود. طراحی صرفاً برای «خوب دیده شدن» کافی نیست. طراحی باید «خوب احساس شدن» را هم در خود داشته باشد.

مرگ برندها اغلب به خاطر طراحی بد نیست؛ به خاطر نداشتن استراتژی، بی توجهی به مخاطب و ناتوانی در برقراری ارتباط است. باز طراحی های شکست خورده، بی هویتی مینیمال و ناآگاهی از زبان مخاطب، همگی عواملی هستند که می توانند یک برند را از ذهن ها پاک کنند. در دنیای امروز که برندها در هر لحظه در معرض قضاوت و مقایسه هستند، تنها آن هایی زنده می مانند که بتوانند تصویری صادق، معنادار و قابل اعتماد از خود نشان دهند. آن هایی که تغییر را می فهمند، اما حفظه را فراموش نمی کنند.

